

آموزه‌های امام علی (ع) در تعلیم و تربیت

مهشیدر مضانی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی

چکیده

تعلیم و تربیت کاری پر ارج وقت‌گیر و دیربازده است. شایسته است محققان همت گمارند و نظام تربیتی اسلام را به گونه‌ای سامان‌یافته و مدون عرضه کنند یکی از اهداف پژوهش حاضر شناخت تأثیر بینش امام علی (ع) در تعلیم و تربیت امروز و گام‌های مؤثرتر بر این اساس است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، طهارت نفس، فروتنی، حکمت، بوجداری، حضرت علی (ع)

هدف اصلی: شناسایی امام علی (ع) در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی.

اهداف فرعی:

۱. شناسایی اهداف تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به آموزه‌های امام علی (ع).
۲. شناسایی روش‌های تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به آموزه‌های امام علی (ع).
۳. شناسایی محتوای تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به آموزه‌های امام علی (ع).
۴. شناسایی نقش مربی و جایگاه او در تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به آموزه‌های امام علی (ع).

مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت با توجه به بینش امام علی (ع) عبارت‌اند از:

۱. تقوای الهی: امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ لِمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ»؛ تقوا یعنی پرهیزگاری با ترس از خدا، قلعه‌ای است محکم از برای کسی که پناه برد به سوی او (نمیمی آمدی، ۱۳۴۱، ص ۴۰۲). تقوا باعث می‌شود انسان نفس خود را از گناهان و معاصی حفظ کند و از اینکه در دام خطرناک و سوسه‌های نفسانی بیفتد دوری نماید. (حسین‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۸).

«اصل عزت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول در تربیت به شمار می‌رود، زیرا اگر کسی در خود احساس عزت کند و خود را موجودی صاحب کرامت ببیند حاضر نخواهد شد این سرمایه عظیم الهی را به اندک مقداری بفروشد بلکه به اعمالی روی می‌آورد که مایه‌های عزت‌نفس او را فراهم می‌آورد»



۲. تلاش و کوشش در امور دنیوی و رفع نیازمندی‌ها:

علی (ع) به محمد حنیفه فرمودند: فرزندم، من به سختی از فقر و احتیاج تو می‌ترسم، پس به خدا از فقر پناه ببر، زیرا فقر دین را ناقص می‌کند، عقل را سراسیمه می‌سازد و دشمنی و کینه را برمی‌انگیزد (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۹۴).

۳. رشد روحی روانی: حضرت علی (ع) نه تنها به نیازهای

جسمانی مردم توجه داشت بلکه به رفع نیازها و کمبودهای عاطفی و روانی آنها نیز می‌اندیشید. علی (ع) برای تشویق به یادگیری، گوش فرا دادن به دانش مفید را یکی از خصوصیات پرهیزگاران برشمرده و فرمودند: «پرهیزگاران گوش خود را وقف دانشی می‌کنند که به سود آنهاست و به فراگیری علم و دانش اشتغال دارند» (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۸۰۴).

۴. علم‌اندوزی: از امام (ع) سؤال شد که خیر چیست؟

در جواب فرمودند: خیر این نیست که دارایی و فرزندان زیاد شود، بلکه آن است که دانش و علمت افزون گردد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، حکمت ۹۴). همچنین می‌فرمایند: نزدیک‌ترین مردم به پیامبران کسانی هستند که به تعالیم انبیا آگاه‌ترند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، حکمت ۹۶).

۵. تحقق عدالت اجتماعی: در خطبه ۳ نهج‌البلاغه

حضرت می‌فرمایند: «و اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر سیری و شکم‌خواری ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می‌کردم و بر کوهان آن می‌انداختم و از آن منصرف می‌شدم (زهدات، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

۶. عزت نفس: خداوند انسان را به جهت انسان بودنش

تکریم نموده و عزیز می‌دارد. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره اسراء آیه ۷۰) اصل عزت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول در تربیت به شمار می‌رود، زیرا اگر کسی در خود احساس عزت کند حاضر نخواهد شد این سرمایه عظیم الهی را به اندک مقداری بفروشد بلکه به اعمالی روی می‌آورد که مایه‌های عزت‌نفس او را فراهم می‌آورد (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲).

۷. طهارت نفس: امام علی (ع) فرموده‌اند: «كَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ نَدْرًا كَمَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ» یعنی نسبت طهارت نفس و تطهیر درون از تمنیات و شهوات با دراک مقامات معنوی و نیل به درجات عرفانی و غیبی نسبت مقدمه و ذی مقدمه است، یا نسبت شرط و جزاست. در عبارت دیگری فرموده‌اند: «لكل شیء معدن، معدن التقوی قلوب العارفين»، صیانت نفس و تقوای الهی، در دل‌های عارفان یافت می‌شود. (درودگر، سایت مجلات زنان).

جدول ۱

ردیف	اهداف تعلیم و تربیت
۱	تقوای الهی
۲	تلاش و کوشش در امور دنیوی و رفع نیازمندی‌ها
۳	رشد روحی، روانی
۴	علم‌اندوزی
۵	تحقق عدالت اجتماعی
۶	عزت نفس
۷	طهارت نفس

جدول شماره ۱. اهداف تعلیم و تربیت با اساس بی‌شک عرفانی حضرت علی (ع) که با توجه به مطالب ارائه شده در رساله توسط مؤلف ترسیم شده است.

مهم‌ترین روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به آموزه‌های امام علی (ع) عبارت‌اند از:

۱. تشویق: یکی از تمایلات و نیازهای فطری بشر برای پی‌مودن راه تعالی و کمال آنست که، دیگران به شخصیت و ارزش وجودی او بی‌ببرند و از او قدرشناسی نمایند. توجه به این نکته در نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک‌اشتر چنین آمده است: «پس آرزوی سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند. بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها به تلاش وا می‌دارد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: نامه ۶۰).

۲. روش تنبیه: امام علی (ع) تنبیه را به عنوان آخرین راهکار - در مورد افرادی که فاسد و بدکارند و اگر سایر روش‌ها مانند پند و نصیحت، ترک معاشرت و ... آنها را به راه نیاورد و همچنان قصد تداوم فساد و آلودگی جامعه را دارند - جایز دانسته است و می‌فرماید: «آگاه باشید خداوند مرا به جنگ با سرکشان تجاوزکار پیمان شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: نامه ۱۱۲). همچنین فرمودند:

«زیاده‌روی در سرزنش کودک، آتش‌سستیز و لجاجت او را بر می‌انگیزد. سرزنش کودک شخصیت او را لکه‌دار می‌سازد و به حقارت او می‌انجامد. (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۰).

۳. بشارت: بشارتی که پیامبران و حضرت علی (ع) از آن بهره جست‌ه‌اند دامنه گسترده‌ای دارد و تنها در خور انسان‌های برجسته نیست بلکه نفوس ضعیف (کسانی عبادت‌شان عبادت تجار نامیده شده) را نیز مخاطب ساخته است. بنابراین مردم را به بهشتی بشارت داده‌اند که در آن هر چه میل داشته باشند و مایه لذت چشم‌ها باشد مهیاست (سوره زخرف، آیه ۷). این روش با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای خوب به شخص مترقی. او را برای انجام عمل مشتاق و پراتگیزه می‌سازد. خبر بشارتی باید به شکلی باشد که علاوه بر ایجاد شوق و انبساط درونی با سرور ظاهری نیز همراه باشد.

۴. انذار: حضرت علی (ع) مردم را این چنین انذار می‌کند: «ای مردم باید که دنیای حرام در چشمانتان از پر کاه خشکیده و تفاله‌های قیچی شده دامداران بی‌ارزش‌تر باشد از پیشینیان خود پند بگیرید و این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید زیرا مشتاقان شریف‌تر از شما را رها کرد. خطبه ۳۲ دشتی» و یا انسان‌هایی را که در کودکی درس نمی‌خوانند انذار داده و به آنها گفته است در بزرگی فردی نمی‌شوند که مردم از آنها اطاعت و پیروی کنند و افراد خاصی نمی‌شوند. (نادری‌مقدم، ۱۳۸۰، ص ۸۹).

۵. محبت: همان‌طور که یک نهال به مراقبت باغبان نیاز دارد انسان مأیول است به او محبت کنند و خود نیز مایل است به دیگران محبت کند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی از تو برگرداند تو مهربانی کن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، نامه ۹۸).

۶. تغافل: اگر انسان از امری آگاه باشد که اظهارش عواقب نامطلوبی در پی دارد و خود را به ناآگاهی بزند امر تغافل است و جزء صفات عالیه انسانی است و منجر به ایجاد عزت می‌شود. زیرا ضمن کتمان اسرار، باعث حفظ آبروی دیگران هم می‌شود. قوت‌ها و ضعف‌های فرد هر دو در احساس عزت او دخالت دارند. روش اسرار توانایی‌ها یا توجه به قوت‌های فرد و روش تغافل نیز با توجه به ضعف‌های فرد در احساس عزت انسان مؤثر می‌باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ز رعیت، آنان را که عیب‌جو‌ترند از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس میداد چیزی را که بهتر است پنهان بماند، آشکارگردانی و آنچه را هویداست، بپوشانی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، نامه ۲۴).

۷. عادت دادن به کارهای خوب: علی (ع) فرمودند که پیامبر اسلام، هر روز بخشی از اخلاق خود را به من یاد می‌داد و به من امر می‌کرد که از آن پیروی کنم. قرآن مجید به پیامبر

امیرالمؤمنین علیه‌السلام: [...] به مالک‌اشتر نوشته است: «پس آرزوی سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند. بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها به تلاش وا می‌دارد»

مرکز تحقیقات کابو نور علوم اسلامی

از روش‌های تربیتی که منجر به ایجاد عزت می‌شود، روش تغافل است. اگر انسان از امری آگاه باشد که اظهارش عواقب نامطلوبی در پی دارد و خود را به ناآگاهی بزند امر تغافل است و جزء صفات عالیه انسانی است



دستور می‌دهد که به خانواده‌ها فرمان بده تا نماز بخوانند و بر نماز ایستادگی و بافشاری کن (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۰).

۸. روش گذشته‌نگری و عبرت‌آموزی: امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «ارزش نظریه شخص به اندازه میزان تجربه و شناخت و استفاده او از تاریخ گذشتگان است» (زهادت، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳). تأمل و تدبر در حوادث و رویدادها و تاریخ گذشتگان یکی از روش‌هایی است که باعث آگاهی، بصیرت و بینا شدن انسان می‌شود و در واقع یک نوع حرکت و تحول است.

۹. روش همنشینی با دانشمندان: حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «بدانید که همنشینی عالم دین و پیروی از اوست که خدا به آن پاداش می‌دهد. اطاعت از عالم حسنها را بیفزاید و سیئات و گناهان را محو سازد و برای مؤمنان یک ذخیره است. علم برای مؤمن در زندگی سربلندی و پس از مرگ نیک‌نامی است (حرانی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۸).

۱۰. روش موعظه و پند: علی (ع) در وصیت به فرزندان خویش فرمودند: «به تو وصیت می‌کنم که تقوی و ترس از خدا را پیشه کنی و دستور او را به کاربندی و قلب خود را با یاد او آباد کنی و به ریسمان او چنگ بزنی و به آن متکی باشی.» و نیز فرمودند: «دلت را با موعظه و پند زنده گردان و با ترک دنیا و اعراض از آن دل خود را بمیران (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۶).

جدول ۲

ردیف	روش‌های تعلیم و تربیت
۱	روش تشویق
۲	روش تنبیه
۳	بشارت
۴	انذار
۵	محبت
۶	تغافل
۷	عادت دادن به کارهای خوب
۸	روش گذشته‌نگری و عبرت‌آموزی
۹	روش همنشینی با دانشمندان
۱۰	روش موعظه و پند

جدول شماره ۲، روش‌های تعلیم و تربیت با توجه به بنیاد حضرت علی (ع)، برگرفته از مفاهیم ارائه شده در مقاله و ترسیم شده توسط مؤلف

ویژگی‌های مربی در تعلیم و تربیت اسلامی

از نظر حضرت علی (ع) تنها کسی می‌تواند مربی انسان باشد که خود، انسان کامل و واصل به مدارج عالی انسانیت باشد. در این مسیر کسی می‌تواند جلودار و راهنما باشد که خود راه را به خوبی طی کرده باشد. بنابراین ویژگی‌های یک مربی از دیدگاه حضرت علی (ع) عبارت‌اند از:

۱. تواضع در مقابل عظمت خدای تعالی: حضرت امیرالمؤمنین در خطبه ۱۴۷ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «سزاوار نیست آن کس که عظمت خدای را شناخت خود را بزرگ بشمرد، بلکه بزرگی آنان که از عظمت خدا آگاه می‌شوند در این است که در برابرش متواضع باشند و سلامت آنان که از قدرت نامحدودش آگاه‌اند، این است که در برابرش تسلیم گردند. (زهادت، ۱۳۷۸، ص ۹۵).

۲. پیروی کردن از معلمان و مربیان الهی: امام علی (ع) درباره کسانی که از مربیان الهی پیروی نمی‌کنند، می‌فرمایند: آنها با فروغ حکمت، عقل و خرد خویش را روشن نساخنه و با آتش افروز دانش‌های روشنگر، فکر خود را شعله‌ور ننموده، آنها در این کار همچون چهار پایان صحرائی و سنگ‌های سخت و نفوذناپذیرند، جهال و نادان‌هایی که از فرامین و توصیه‌های معلمان و مربیان الهی سربچی نموده و از دانش آنها بی‌بهره‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ضَلَّ مَنْ اهْتَدَى بِغَيْرِ هُدَى اللَّهِ، گمراه شد هر که روی آورد به غیر راهنمایی خدا، پیروی کسی که حَقُّ تعالی او را راهنما قرار نداده مثل اتمه جور» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۱، ص ۱۷۶۳).

۳. حلم و بردباری: امام (ع) در خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «ما در روز دانشمندان بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند، از نشانه‌های متقین این است که در دین نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش و با ایمانی مملو از یقین، خریص در کسب دانش و دارای علم توأم با حلم‌اند. علم و حلم را با هم آمیخته و گفتار را با کردار هماهنگ نموده‌اند. در خطبه ۲۳۹ حضرت می‌فرمایند: «أَلْ مُحَمَّدٌ (ع) مایه حیات علم و نابودی جهل و نادانی‌اند. حلمشان شما را از علم و دانش آنها آگاه می‌سازد. همچنین در لزوم و اهمیت حلم امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: اگر حلیم نیستی، خود را به حلم و بردباری بزنی، زیرا کم است کسی که خود را شبیه قومی کند و از آنان به شمار نیاید (زهادت، ۱۳۷۸: ۹۷).

۴. عامل به علم: امیرالمؤمنین علی (ع) به هنگام سخنرانی بر منبر، فرمودند: «مردم! آنگاه که عالم و دانا شدید، به علم و آگاهی خویش عمل کنید، به این امید که راه راست را بازیابید. حسرت دانشمند فاقد عمل، از حسرت جاهل سرگردان در جهالت و نادانی بیشتر است (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).



۵. اعتراف به عجز و ناتوانی معلم در مسائلی که بدان احاطه ندارد: علی (ع) فرمودند: «وقتی از شما راجع به چیزی سؤال کردند که علم و آگاهی درباره آن ندارید راه فرار و گریز را در پیش گیرید. عرض کردند: این فرار و گریز چگونه است؟ فرمودند: «بگویی خدا بهتر می‌داند» (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۶). در نهج البلاغه حکمت ۸۵ حضرت علی (ع) می‌فرماید: هر کس که جمله «منی دانم» را ترک کند خود را به کشتن خواهد داد.

۶. پرهیزگار و عالم بودن معلم: حضرت علی (ع) فرمودند: «همنشینی کن با اهل پرهیزگاری و حکمت پس به درستی که تو اگر بوده باشی نادان، تعلیم می‌کنند تو را و اگر بوده باشی دانا، زیاد می‌کنند دانش را. همنشینی کن با علما تا اینکه زیاد شود علم تو و نیکو شود ادب تو و پاکیزه گردد، نفس تو (تمیمی آمدی، ۱۳۴۱، ص ۱۳۳۳).

۷. حفظ حیثیت و شئون علم و دانش: علی (ع) می‌فرمود: دو دسته کمر مرا شکستند، دسته اول «عالم منهنک» یعنی عالم بی حیا و دریده و دیگری «جاهل متنسک» یعنی نادان زاهدنما و مقدس مآب. سپس ادامه دادند که شخص نادان مردم را با مقدس مآبی خود فریب می‌دهد و گول می‌زند و عالم با بی‌حیایی خود مردم را از خود می‌گریزند. (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳).

جدول ۳

ردیف	ویژگی‌های یک مربی
۱	تواضع در مقابل عظمت خدای تعالی
۲	پیروی کردن از معلمان و مربیان الهی
۳	حلم و بردباری
۴	عامل به علم
۵	اعتراف به عجز و ناتوانی معلم در مسائلی که بدن احاطه ندارد
۶	پرهیزگار و عالم بودن معلم
۷	حفظ حیثیت و شئون علم و دانش

جدول شماره ۳. ویژگی‌های یک مربی با توجه به بینش حضرت علی (ع)، ارائه شده در مقاله و ترسیم شده مؤلف

منابع

۱. امام علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۸۰)، نهج البلاغه (ترجمه محمد دستی)، تهران، نشر آدینه سبز.
۲. احمدی، احمد (۱۳۶۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد فوق برنامه، چاپ اول.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ اول.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواجدین محمد (۱۳۴۱)، غرر الحکم و درر الحکم و درر الکلم (شرح محقق باقر جمال‌الدین محمد خوانساری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۴.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
۶. حجتی، باقر، (۱۳۸۶)، آداب تعلیم و تعلم، (ترجمه کتاب منیه المرید فی آداب المفید المستفید شهید ثانی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۲۸.
۷. حرثی، ابن‌شعبه (۱۳۸۴)، تحف العقول، حکمت‌ها و مواظب اهل بیت (ع)، (ترجمه آیت‌الله احمد حجتی)، ناشر: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۸. حسینی‌زاده، علی (۱۳۸۶)، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جلد ۱.
۹. خرم‌رویی، سعید (۱۳۸۸)، جزوه تفسیر نهج البلاغه، عضو هیئت علمی دانشگاه همدان.
۱۰. درودگر، محمد جواد، عرفان در مکاتب مختلف (نگاهی تطبیقی به شیعی و هندو)، مجلات و کتاب زنان، شماره ۱۶.
۱۱. زهائی، محسن، (۱۳۷۹)، امام علی (ع) از منظر فرزانگان، ویژه‌نامه ستاد بزرگداشت سال امیرالمؤمنین امام علی (ع)، کمیته ارتباطات و اطلاع‌رسانی، چاپ اول.
۱۲. زاهدان، عبدالمجید (۱۳۷۸)، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب.
۱۳. سجادی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر عرفان و تصوف، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت، چاپ چهارم.
۱۴. شکوهی، غلام‌حسین، (۱۳۶۹)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ نهم.
۱۵. مدنی، رضا، (۱۳۸۷)، عرفان اسلامی و التقاطی (بررسی و نقد عقاید فرقه گنابادیه)، نشر: راه نیکان، چاپ اول.
۱۶. مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۹)، مقالات برگزیده، (همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع))، به اهتمام علیرضا صادق‌زاده قمصری و همکاران.
۱۷. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، چاپ ۱۱، جلد ۱، تهران: انتشارات معین.
۱۸. نادری‌مقدم، احمد (۱۳۸۰)، بررسی شیوه‌های تربیتی در نهج البلاغه، اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت.

علی (ع) می‌فرمود:
دو دسته کمر مرا
شکستند، دسته
اول «عالم منهنک»
یعنی عالم بی حیا
و دریده و دیگری
«جاهل متنسک»
یعنی نادان زاهدنما
و مقدس مآب.
سپس ادامه دادند
که شخص نادان
مردم را با مقدس
مآبی خود فریب
می‌دهد و گول
می‌زند و عالم با
بی‌حیایی خود مردم
را از خود می‌گریزند

